

چشم‌انداز مذاکرات امریکا و کره شمالی در دوره ترامپ تا انتخابات ۲۰۲۰ امریکا (با تأکید بر رویکردهای رسانه‌ای)

بهنام خسروی^۱، ابوذر گوهری مقدم^۲

چکیده

امریکا همواره مهم‌ترین بازیگر پرونده هسته‌ای کره شمالی بوده و از زمان آغاز بحران در دهه ۱۹۹۰ میلادی، روند فشار و تحریم در عین مذاکره با هدف خلع سلاح کره شمالی را آغاز کرده است. با شروع ریاست جمهوری دونالد ترامپ، ابتدا سطح تنش و احتمال جنگ افزایش یافت. اما با ورود وی به سال دوم ریاست‌جمهوری، ضمن کاهش سطح تنش‌ها، سه دور مذاکره میان ترامپ و کیم جونگ اون برگزار شد. سؤال اصلی مقاله این است که «با توجه به مواضع ترامپ، تحولات منطقه‌ای، جهانی و رویکرد بازیگران ذی‌ربط، چشم‌انداز بحران اتمی کره شمالی تا پیش از برگزاری انتخابات ریاست‌جمهوری امریکا چگونه است؟» سه سناریوی اصلی که مقاله امکان وقوع آنها را بررسی کرده است، سناریوی محتمل (ادامه وضع موجود)، سناریوی ممکن (افزایش تنش) و سناریوی مطلوب (دستیابی به توافق) است. یافته‌های مقاله حکایت از آن دارند که تا پایان ریاست جمهوری ترامپ در سال ۲۰۲۰، محتمل‌ترین رخداد، ادامه وضع موجود و عدم امکان انعقاد توافق بین دو کشور است. سناریوی محتمل، ضمن پیش‌بینی کاهش سطح تنش در منطقه، امکان خلع سلاح اتمی و موشکی کره شمالی و حصول یک توافق جامع را با توجه به عواملی از جمله رقابت‌های راهبردی چین و امریکا، بسیار پایین ارزیابی می‌کند.

واژه‌های کلیدی: بحران اتمی، خلع سلاح هسته‌ای، دونالد ترامپ، سیاست خارجی امریکا، شبه‌جزیره کره، رسانه‌برون‌مرزی.

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۰/۱۶

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۷/۸

۱. دانشجوی دکتری مطالعات سیاسی انقلاب اسلامی، دانشگاه شاهد، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

kh_behnam_69@yahoo.com

Gohari@isu.ac.ir

۲. دانشیار روابط بین‌الملل دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران



۱. مقدمه

قدرت‌های جهانی همواره به شبه‌جزیره کره توجه داشته‌اند. ژاپن به‌عنوان قدرت برتر در آسیا از سال ۱۹۱۰م به‌طور رسمی شبه‌جزیره کره را تحت کنترل خود درآورد (Kang, 1997). با آغاز جنگ جهانی دوم، ورود ژاپن به جنگ و درنهایت شکست آن، کشورهای پیروز از شمال و جنوب وارد شبه‌جزیره کره شدند. ارتش امریکا بخش جنوبی و ارتش شوروی بخش شمالی را اشغال کرده و در مدار ۳۸ درجه جغرافیایی (مرز کنونی دو کره)، به یکدیگر رسیدند. با تشدید تقابل ایدئولوژیک، اقتصادی، سیاسی، نظامی و رسانه‌ای میان امریکا و شوروی، کره به دو قسمت شمالی و جنوبی تقسیم شد (Hickey, 2011: 1).

گروهی از کارشناسان در محافل غربی انتظار داشتند با فروپاشی شوروی، کره شمالی تضعیف و در نتیجه دچار تغییر رژیم شود. اما این پیش‌بینی به وقوع نپیوست. کره شمالی، علیرغم ضعف و انزوا، در برابر امریکا تسلیم نشد و به سمت ایجاد موازنه قوای نظامی حرکت کرد. اراده سیاسی تصمیم‌گیران کره شمالی مبتنی بر خودیاری در جهانی است که اگر در آن ضعیف باشند، امریکا لحظه‌ای در سرنوشت رژیم تردید نخواهد کرد. بی‌اعتمادی تاریخی طرفین به یکدیگر منجر به ناکام ماندن و شکست «بیانیه مشترک غیرهسته‌ای سازی شبه‌جزیره کره»^۱ (بیانیه مشترک دو کره در ۱۹۹۲)، توافق امریکا و کره شمالی^۲ (۱۹۹۴) در مورد مسئله هسته‌ای کره شمالی و مذاکرات موشکی واشنگتن و پیونگیانگ (۱۹۹۶) شده است. در تمام این مدت نیز شورای امنیت با فشار امریکا، قطعنامه‌های متعددی ذیل فصل هفتم منشور علیه کره شمالی صادر کرده است (Davenport, 2018).

کلیدی‌ترین نکته در فهم بحران شبه‌جزیره کره، توانمندی موشکی و هسته‌ای کره شمالی و احساس تهدید امریکا، ژاپن و کره جنوبی از آن است. امریکا به توانایی اتمی و موشکی هر کشور حساسیت دارد. این حساسیت در مورد کره شمالی به دلیل نزدیکی آن به چین و روسیه، بیشتر است. بعد از تکمیل چرخه هسته‌ای شدن کره شمالی و دستیابی این کشور به فناوری ساخت موشک‌های بالستیک قاره‌پیما، پیونگیانگ در پی کسب امتیازهای گوناگون (اخذ تضمین امنیتی، دریافت سوخت و کمک‌های غذایی) بوده و آمادگی انعطاف نسبی در برابر واشنگتن را داشته

1. North-South Joint Declaration on the Denuclearization of the Korean Peninsula

2. Agreed Framework

است تا با عقب‌نشینی‌های خاص، امتیازاتی در حوزه تحریم‌ها دریافت و از عدم قصد امریکا برای سرنگونی دولت حاکم، اطمینان حاصل نماید.

با روی کار آمدن ترامپ در امریکا و انتقاد وی از سیاست خارجی اوباما، ترامپ ابتدا سعی کرد خطر کره شمالی را برای افکار عمومی امریکا بزرگ کرده و سپس با مذاکره، این تلقی را به وجود آورد که او توانسته با یک رویکرد صحیح، پرونده اتمی - موشکی کره شمالی را حل نماید. ترامپ از ابتدا، سیاست اعمال فشار حداکثری بر کره شمالی و وادار کردن این کشور برای بازگشت به میز مذاکرات را هدف خود عنوان نمود. وی ضمن انتقاد از سیاست «صبر استراتژیک» دولت اوباما، سطح تنش در منطقه شرق آسیا را به شدت افزایش داد و آن را تا سر حد یک جنگ تمام عیار نظامی بالا بُرد. اما در عین افزایش تنش لفظی با کره شمالی، از سال ۲۰۱۷ (ماه‌های می تا ژوئن) مذاکرات محرمانه میان مقامات دولت ترامپ و کره شمالی در اسلو، نیویورک و پیونگیانگ آغاز شده بود (شریعتی‌نیا، ۱۳۹۷: ۲). این مذاکرات، زمینه ارتقای سطح گفت و گوها به سران دو کشور را فراهم کردند تا ترامپ ادعای پیروزی کند. به همین دلیل، تاکنون (ژانویه ۲۰۲۰) سه دور مذاکره بین ترامپ و کیم جونگ اون، برگزار شده که هنوز به نتیجه خاصی نیز منجر نشده است.

این مقاله درصدد است ضمن بررسی سیاست خارجی ترامپ در قبال کره شمالی، چشم‌انداز بحران و امکان انعقاد یک توافق میان دو کشور را بررسی نماید. روش پژوهش، توصیفی-تحلیلی، با استفاده از ابزار فیش‌برداری برای جمع‌آوری داده‌ها و مبتنی بر مصاحبه عمیق با کارشناسان بوده است. روش دستیابی به حجم نمونه نیز «گلوله برفی» به معنای رجوع به یک کارشناس و معرفی سایر کارشناسان توسط کارشناس قبلی بوده است. تعداد کارشناسان براساس اشباع نظری داده‌ها، ۱۰ نفر است. نقطه تمرکز این مقاله، سیاست خارجی دونالد ترامپ در مورد بحران هسته‌ای کره شمالی از سال ۲۰۱۶ و هدف آن نیز بررسی چشم‌انداز مذاکرات احتمالی میان پیونگیانگ-واشنگتن در دوره ترامپ و سناریوهای متصور برای آینده این بحران است. فرضیه مقاله نیز این است که «به‌نظر می‌رسد تا سال ۲۰۲۰ و برگزاری انتخابات ریاست جمهوری، موضوع بحران کره شمالی، در کانون توجه ترامپ خواهد بود. لذا برگزاری مذاکرات هسته‌ای کره شمالی و امریکا در این دوره محتمل است، اما انعقاد یک توافق و عملیاتی شدن آن با توجه به مسائل داخلی امریکا و چرخه بازدارندگی نظامی- اتمی کره شمالی و رویکرد و منافع متضاد و متفاوت بازیگران دخیل محتمل نخواهد بود».



به دلیل اهمیت مسائل شبه جزیره کره و موضوعات هسته‌ای، رسانه‌های برون‌مرزی ایران مأموریت دارند که با ورود کارشناسانه و دقیق به این مسائل، اطلاعات مناسبی در اختیار مخاطبان قرار دهند و اخبار و تحلیل‌های صحیح و مطابق با منافع ملی ایران را به منطقه شرق آسیا و سایر مناطق جهان مخابره نمایند. ضمناً با توجه به انعقاد توافق هسته‌ای ایران و خروج ترامپ از آن، بررسی رفتارهای ترامپ و آمریکا و واکنش کره شمالی به تهدیدهای مختلف آمریکا، می‌تواند ضمن ایجاد یک فضای مقایسه‌ای، موضوع را برای مخاطبان به‌خوبی تشریح کند.

۲. پیشینه پژوهش

شریعتی‌نیا در پژوهشی با عنوان «مذاکره با آمریکا: تجربه ناموفق کره شمالی» (۱۳۹۷) به بررسی تاریخی ادوار مذاکرات کره شمالی با آمریکا پرداخته است. نویسنده تصریح می‌کند که تجربه مذاکرات کره شمالی و ایالات‌متحده از چند جهت می‌تواند برای ایران حائز اهمیت باشد. نخست آنکه ایران و کره شمالی از معدود بازیگرانی به شمار می‌آیند که با ایالات‌متحده روابطی ندارند و در عین حال رقابت استراتژیک با واشنگتن بر کلیت سیاست خارجی این کشورها و هویت بین‌المللی آن‌ها سایه انداخته است. دوم آنکه دو کشور در دهه‌های اخیر علی‌رغم پیشبرد نوعی از رقابت استراتژیک با آمریکا در دوره‌هایی نیز با این کشور وارد مذاکره شده و به توافقاتی نیز دست یافتند. سوم اینکه در روند پس از توافق برجام و نیز پس از خروج آمریکا از آن و گفت‌وگوهای ترامپ با رهبر کره شمالی، دو کشور از مدل‌های مذاکراتی یکدیگر در تعامل با آمریکا شناخت بیشتری حاصل کردند. شریعتی‌نیا معتقد است که ترامپ به مذاکره با کره شمالی احتیاج دارد و پیونگیانگ با اعتماد به نفس خواهان به رسمیت شناخته شدن توسط جهان به‌عنوان یک قدرت هسته‌ای است.

باقری و درج در مقاله خود با عنوان «سیاست دونالد ترامپ و مسئله هسته‌ای کره شمالی» (۱۳۹۷) نوشته‌اند که توافق ژوئن ۲۰۱۸ بین آمریکا و کره شمالی در خصوص آغاز مذاکرات بر سر برنامه هسته‌ای این کشور، یک‌بار دیگر جهانیان را امیدوار و همه نگاه‌ها را معطوف به شرق آسیا ساخته است. سؤال اصلی این پژوهش این است که رویکرد ترامپ در قبال بحران هسته‌ای کره شمالی چیست؟ و چه اهداف و برنامه‌هایی را پیگیری می‌کند؟ فرضیه اصلی پژوهش این است که آمریکا خلع سلاح کامل هسته‌ای و تبدیل کره شمالی به بازیگری مورد پذیرش جامعه جهانی را دنبال می‌کند. برای این منظور سیاست افزایش فشار منطقه‌ای و جهانی بر کره شمالی



و ناکارآمد نشان دادن کسب سلاح هسته‌ای برای تأمین امنیت، در دستور کار ترامپ قرار داد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد خلع سلاح هسته‌ای کره شمالی مقدمه افزایش فشارها بر این کشور در سایر حوزه‌های سیاسی و حقوقی برای تغییر رفتار آن در آینده است. براساس دیدگاه نویسندگان این مقاله، پیونگیانگ در صورت ادامه دادن به مذاکرات با دو وضعیت روبرو خواهد شد یا تغییر رفتار کامل و تبدیل شدن به رژیم مشابه کره جنوبی و ژاپن و یا انتظار تغییر رژیم در آینده همانند عراق و لیبی.

همچنین از سوی دیگر، بخش اعظم مقالات و گزارش‌های راهبردی انگلیسی‌زبان که توسط اندیشکده‌های امریکایی و اروپایی منتشر شده‌اند، به دلیل حساسیت توانمندی هسته‌ای و موشکی کره شمالی، بر موضوع خلع سلاح و موازنه قدرت در برابر پیونگیانگ، متمرکز هستند. این اندیشکده‌ها که نقش مهمی در شکل‌دهی به سیاست خارجی و امنیتی دو سوی آتلانتیک دارند، با بزرگ‌نمایی و برجسته‌سازی آزمایش‌های موشکی و هسته‌ای کره شمالی، سعی در القای این نکته دارند که تا زمان امحا و انهدام برنامه موشکی و هسته‌ای پیونگیانگ، مذاکرات موفق و یک توافق اتمی و جامع، محقق نخواهد شد.

نوآوری مقاله پیش رو در بررسی وضعیت موجود مناسبات و منازعات کره شمالی و امریکا و ارائه سناریوهایی برای آینده است.

۳. مبانی نظری

«نظریه‌های نقش جهانی امریکا»^۱ که «پاتریک کالاهان»^۲ مطرح کرده است، الگوهای مختلفی برای تحلیل سیاست خارجی امریکا و تشخیص راهبرد امنیت ملی این کشور پیشنهاد می‌کند. با توجه به مؤلفه‌هایی مانند نوع نگاه دولت‌های مختلف امریکا درباره سطح درگیر شدن در امور بین‌المللی، گستره جغرافیایی، چندجانبه و یک‌جانبه‌گرایی، جهانی شدن، قدرت، منافع ملی، نقش رهبری، نظامی‌گری، مداخله‌گرایی و تعهدات اخلاقی، کالاهان به معرفی منطق‌های سیاست خارجی امریکا پرداخته است که عبارت‌اند از: «برتری‌جویی، واقع‌گرایی، انزواگرایی، لیبرالیسم، بین‌الملل‌گرایی لیبرال و ضد امپریالیسم افراطی». برخی اعتقاد دارند که رویکرد سیاست خارجی امریکا از بین‌الملل‌گرایی لیبرال در دوران اوپاما به نوانزوگرایی و واقع‌گرایی در دوران ترامپ تغییر کرده است. ترامپ از منظر گرایش سیاسی و عملکرد اقتصادی نوانزوگرایانه و در حوزه مسائل

1. Theories of America's World Role

2. Patrick Callahan



نظامی و امنیتی کاملاً واقع‌گرایانه عمل کرده است. دو راهبرد «نخست آمریکا»^۱ و «احیای مجدد آمریکا»^۲ الگوهای اصلی سیاست خارجی ترامپ از منظر آنان است (امیدی و همکاران، ۱۳۹۷: ۲۶۹). انزواطلبی، یعنی پرهیز از درگیر شدن در امور بین‌المللی، لذا ترامپ معتقد است آمریکا باید از تعهدات در دسرساز بیرونی پرهیز کند تا به جامعه، نظام حکومتی و اقتصادش در داخل آسیب نرسد (همان: ۲۷۱).

راهبرد نخست آمریکا، نشان‌دهنده یک‌جانبه‌گرایی و انزواگرایی در سیاست خارجی ترامپ است. انزواگرایان بر خلاف بین‌الملل‌گرایان حامی اولویت اهداف ملی نسبت به اهداف بین‌المللی، تمرکز موضوعی و جغرافیایی بر کشورها و مناطق خاص، ایفای نقش رهبری محدود و یک‌جانبه، منتقد درگیر شدن در امور بین‌المللی، طرفدار غیرنظامی‌گرایی و غیرمداخله‌گرایی (و نه لزوماً ضدیت با نظامی‌گری و مداخله‌گرایی) و نهایتاً مخالف سرسخت جهانی شدن در حوزه اقتصاد هستند. انزواگرایی معتقد است وابستگی متقابل که نیازمند تعهدات سیاسی و نظامی است، نمی‌تواند منافع حیاتی آمریکا را تأمین کند. زیرا تعهدات خارجی، هزینه‌های جدی نهادی در داخل دارد و آمریکا هیچ الزامی برای قبول تعهدات اخلاقی در خارج از کشور ندارد (کالاها، ۱۳۸۷: ۱۰۴). ترامپ با توجه به شرایط جهان و آمریکا و تفاوت‌های فاحش آن با قرن ۱۹ میلادی و انزواگرایی آمریکا در آن مقطع؛ پیرو نوانزواگرایی^۳ است. نوانزواگرایی خواستار پایان یافتن یا کاهش برخی از تعهدات سیاست خارجی است اما در عین حال با تداوم برخی دیگر از آن‌ها موافق است و پذیرش برخی تعهدات جدید را نیز پیشنهاد می‌کند. به عبارت دیگر نوانزواگرایی نوعی بین‌الملل‌گرایی گزینشی^۴ است، نه انزواگرایی مطلق^۵. همچنین نوانزواگرایی به‌عنوان یک سیاست خارجی مبتنی بر منفعت یا راهبرد خودمدار نیز شناخته می‌شود. نوانزواگرایان هرگز ادعا نمی‌کنند که ایالات‌متحده باید خود را از سایر کشورها جدا کند، بلکه از نظر آن‌ها، بهترین روش برای تأمین منافع ملی این است که آمریکا اول بر اهداف ملی خود متمرکز شود (نخست آمریکا)، از این رو، آنچه لازم است پیگیری شود صرفاً یک مفهوم محدود از

-
1. America First
 2. Make America Great Again
 3. Neo- Isolationism
 4. Selective Internationalism
 5. Principled Isolationism



منافع ملی امریکا است که شامل حفاظت فیزیکی از قلمرو و مردم ایالات متحده و رونق اقتصادی این کشور می‌شود (امیدی و همکاران، ۱۳۹۷: ۲۷۳).

این راهبرد در سیاست خارجی ترامپ، به صورت‌های مختلفی خود را نشان داده که می‌توان آنها را ذیل مفهوم «تجاری‌سازی امنیت» طبقه‌بندی کرد. با توجه به وعده‌های دونالد ترامپ مبنی بر لزوم اشتغال‌زایی در امریکا، به نظر می‌رسد که امریکا با بزرگنمایی تهدید کره شمالی و تلاش برای افزایش بحران، زمینه‌ها را برای فروش تجهیزات بیشتر به متحدان خود در شرق آسیا فراهم خواهد کرد. اتفاقی که در سفر ترامپ به ژاپن (می ۲۰۱۹م) و وعده وی مبنی بر فروش چند ده جنگنده پیشرفته اف-۳۵ به ژاپن، به‌وضوح مشاهده شد (business insider, 2019).

راهبرد «نخست امریکا» در دوران ترامپ، نشان‌دهنده مشی یکجانبه‌گرایی و انزواگرایی در سیاست خارجی ترامپ است. وی حوزه نظامی و امنیتی را عرصه‌ای مهم برای نمایش قدرت و نیز احیای مجدد آنچه عظمت و اقتدار امریکا می‌خواند به‌عنوان بخش دیگر راهبرد خود انتخاب کرده است. ترامپ در نوامبر ۲۰۱۷ میلادی و در جریان سفر ۱۲ روزه خود به شرق آسیا، ملاقات و مذاکرات دوجانبه با رهبران کره جنوبی، ژاپن و چین انجام داد که هدف از آن تقویت اراده جهانی برای غیر اتمی کردن کره شمالی بود. رئیس‌جمهور امریکا معتقد است اوباما با کاهش بودجه نظامی، قدرت امریکا را کاهش داده و به‌دلیل ناتوانی در استفاده از قدرت نظامی، پیغام ضعف امریکا را به جهان مخابره کرده است. ترامپ در پی امریکایی قدرتمند در جهانی ترس‌آلود و بی‌ثبات است تا بتواند کالای امنیت را به دیگران بفروشد. وی از طریق دشمن‌هراسی، کشورهای شرق آسیا را از کره شمالی می‌ترساند و برای رفع نگرانی آنها، به آن کشورها تسلیحات می‌فروشد (بابکان، ۱۳۹۷: ۶۲-۶۱).

۴. فرایند مذاکرات در دوران ترامپ

کره شمالی در «راهبرد امنیت ملی امریکا» در دوران ترامپ به‌عنوان یک تهدید و «دولت یاغی»، توصیف شده است (Dobbins, 2018: 1). در این راهبرد، پیونگ‌یانگ یک رژیم «دیکتاتور» خوانده می‌شود که امریکا را با سلاح‌های کشتار جمعی و موشک‌های قاره‌پیما تهدید می‌کند و با پیگیری برنامه‌های موشکی، سایبری و هسته‌ای، یک تهدید جهانی است که نیاز به پاسخ جهانی دارد. امریکا در راهبرد خود، برای مقابله با کره شمالی و دستیابی به خلع سلاح هسته‌ای کامل در شبه‌جزیره کره، بر تقویت همکاری‌های امنیتی - نظامی با متحدانش در شرق



آسیا تأکید کرده است (NSS, 2017). با توجه به رخداد‌های سال اول ریاست جمهوری ترامپ و تشدید تنش و افزایش فشار قطعنامه‌های شورای امنیت، می‌توان به اهمیت کره شمالی در ذهن ترامپ پی برد. بر خلاف استراتژی امنیت ملی دولت باراک اوباما در سال ۲۰۱۵ که در آن تنها سه بار و آن هم به صورت کلی به مسئله کره شمالی توجه شده بود، در سند امنیت ملی دولت ترامپ در سال ۲۰۱۷، ۱۶ بار با جزئیات به موضوع کره شمالی و خطر توان اتمی و نظامی آن پرداخته شده بود. در همان سند بر ضرورت اتحاد میان کشورهای شرق آسیا با امریکا علیه پیونگ‌یانگ تأکید شده بود. با توجه به صدور قطعنامه‌ها، جنگ لفظی و اسناد امنیت ملی امریکا، می‌توان نتیجه گرفت که ترامپ در سال ۲۰۱۷ خواهان تشدید تنش با کره شمالی بود.

پس از روی کار آمدن ترامپ در ژانویه ۲۰۱۷م، کره شمالی در ۱۲ فوریه، ۶ مارس و ۵ آوریل همان سال چند آزمایش موشکی انجام داد. در ۶ آوریل ۲۰۱۷ ترامپ با رئیس جمهور چین ملاقات کرد و طرفین بر همکاری در خصوص خلع سلاح هسته‌ای شبه‌جزیره کره تأکید کردند. در ۱۷ آوریل ۲۰۱۷م معاون آسیای شرقی وزارت خارجه امریکا «سوزان تورنتون»^۱ از سیاست دولت ترامپ در خصوص کره شمالی رونمایی کرد و آن را «فشار حداکثری و همکاری»^۲ نامید و تأکید کرد امریکا آماده مذاکره بدون قید و شرط با کره شمالی است. در ۲۶ آوریل ۲۰۱۷م نیز مقامات دولت ترامپ به کنگره گزارش دادند که ضمن افزایش تحریم‌ها آماده همکاری با متحدان برای مذاکره با کره شمالی هستند (Davenport, 2019). رکس تیلرسون وزیر خارجه وقت امریکا که پیشتر گفته بود دوران سیاست صبر استراتژیک در برابر کره شمالی خاتمه یافته است، در گفت‌وگو با رادیو NPR بر آمادگی امریکا برای مذاکره با کره شمالی براساس به اصطلاح «دستورالعمل صحیح» تأکید کرد و افزود خلع سلاح، باید هدف نهایی هر مذاکره باشد (NPR, 2017).

صدور قطعنامه‌های ۲۳۷۱ در ۵ اوت، ۲۳۷۵ در سوم سپتامبر و ۲۳۹۷ در ۲۲ دسامبر ۲۰۱۷م، روند تشدید تحریم‌ها و تنش‌ها را افزایش داد و مشخص کرد ترامپ نیز بر نقش شورای امنیت و فشار تحریم تأکید دارد. کره شمالی نیز با تولید کلاهک اتمی کوچک که در موشک‌هایش قابل نصب بود (Fifield, et al 2017) و با آزمایش موشک بالستیک و برد متوسط Hwasong-12 در ۱۵ سپتامبر به این قطعنامه‌ها پاسخ داد. ترامپ در ۲۱ سپتامبر با صدور یک فرمان اجرایی،

1 . Susan Thornton

2 . maximum pressure and engagement

تحریم‌های بیشتری علیه این کشور وضع نمود (Davenport, 2019). تا پایان سپتامبر ۲۰۱۷، درگیری لفظی رئیس‌جمهور امریکا و رئیس کره شمالی شدت یافته و حالت شخصی گرفته بود (Litwak, 2019: 41). در نوامبر ۲۰۱۷ نیز امریکا مجدداً نام کره شمالی را در فهرست کشورهای حامی تروریسم وارد کرد. ترامپ گفت که هدف از این اقدام «وارد کردن حداکثر فشار بر رژیم کره شمالی است». موضوعی که با استقبال کره جنوبی و ژاپن همراه شد (Shear and Sanger, 2017). در پاسخ، کره شمالی در ۲۹ نوامبر ۲۰۱۷ یک موشک قاره‌پیمای بالستیک با برد ۱۳ هزار کیلومتر آزمایش کرد (McCurry and Berger, 2017). این موارد نشان از افزایش سطح تنش در شبه‌جزیره داشت. کره شمالی نیز از ژانویه تا سپتامبر ۲۰۱۷ و در زمان ترامپ، ۲۴ آزمایش موشکی انجام داد (CSIS, 2017) و با موفقیت یک دوره شدید جنگ روانی و تغییر سطح آرایش نظامی و تهدید متقابل را مدیریت کرد و نشان داد قصد عقب‌نشینی ندارد.

لذا از این مقطع به بعد، طرفین از شدت تنش‌ها کاسته و وارد دوره‌ای از مذاکرات شدند. هر دو طرف به مذاکره در این سطح احتیاج داشتند، ترامپ برای موفق نشان دادن خود در داخل امریکا و کره شمالی برای کسب وجهه بین‌المللی و البته کاهش تحریم‌ها (Litwak, 2019: 42). سرانجام دونالد ترامپ و کیم جونگ اون به جدال لفظی خود پایان دادند و آماده دیدار با یکدیگر شدند. ترامپ و کیم در ۱۲ ژوئن ۲۰۱۸ در سنگاپور دیدار کردند. این اولین دیدار یک رئیس‌جمهور امریکا با رئیس کره شمالی بود. بخش عمده‌ای از فرایند منتهی به دیدار در سنگاپور، نتیجه دیپلماسی مخفی بود که طبعاً اطلاعی از آن در دست نیست. اما شاید بتوان آن را حاصل تفاهم شفاهی دانست که احتمالاً در سفرهای پمپئو به کره شمالی رخ داده باشد و فراتر از انتظارات استراتژیک می‌باشد (حسینی، ۱۳۹۸/۰۷/۰۲).

در بیانیه چهار ماده‌ای نشست سنگاپور، موارد ذیل آمده است: «برقراری روابط دیپلماتیک مجدد بین امریکا و کره شمالی؛ تلاش برای برقراری صلح در شبه‌جزیره کره؛ تعهد طرف امریکایی به اعتمادسازی به مردم و دولت کره و تعهد کره شمالی به فرایند خلع سلاح اتمی در منطقه شبه‌جزیره؛ ایجاد ساز و کار مذاکرات بین پمپئو و مقام عالی کره شمالی برای تحقق و اجرایی ساختن تعهدات متقابل که نخستین گام‌های آن تحت عنوان استرداد اسرا و مفقودین طرفین منازعه آغاز می‌گردد (باقری و درج، ۱۳۹۷: ۱۵۱). این توافق کلی، در اجرا دچار مشکلات جدی است. به همین دلیل دیدارهای بعدی در ۲۷ و ۲۸ فوریه ۲۰۱۹ م در ویتنام و ۳۰ ژوئن در مرز دو کره، صرفاً یک دیدار بود و نتیجه خاصی دربرنداشت. درواقع بعد از مذاکرات سران دو



کشور در سنگاپور، تأکید امریکا بر ادامه تحریم‌ها تا زمان خلع سلاح کره شمالی، باعث معلق ماندن مذاکرات و پیشرفت‌های احتمالی در آن شد. به همین دلیل نیز مذاکرات دوم در ویتنام، کاملاً شکست خورد و بدون دستاورد، صرفاً موجب سردرگمی تحلیلگران و سران دو طرف شد (کارشناس شماره ۳، ۱۳۹۸/۰۵/۱۵). در واقع، مطابق بیانیه سنگاپور، طبق معمول قرار شد امریکا به کره شمالی تضمین امنیتی بدهد و کره شمالی متعهد شد که خلع سلاح هسته‌ای شبه‌جزیره کره را در دستور کار قرار دهد (شریعتی‌نیا، ۱۳۹۷: ۱۵). اما مهم‌ترین پیامد خلع سلاح هسته‌ای شبه‌جزیره کره، لفظ «شبه‌جزیره» است. زیرا این عنوان فقط کره شمالی را شامل نمی‌شود و کره جنوبی و البته امریکا نیز باید به‌طور جدی و اساسی، سیاست نظامی و امنیتی خود را تغییر دهند تا کره شمالی احساس تهدید نکرده و خلع سلاح را آغاز نماید. بدیهی است خلع سلاح یک کشور هسته‌ای و مسلح به موشک‌های قاره‌پیما، نیاز به همکاری فراتر از یک توافق دوجانبه دارد که عملیاتی کردن آن را دشوار خواهد نمود.

با توجه به افزایش و سپس کاهش تنش و انجام سه دوره مذاکره، برخی اعتقاد دارند «ترامپ، ایده‌ای ذهنی و حتی دکترینی به نام «تنش‌زایی برای تنش‌زدایی» دارد. منطق شخصیتی وی به‌عنوان تاجر این است که تنش موجود را باید به‌عنوان رئیس جمهور تشدید و سپس حل کند تا پایان آن به نام ترامپ ثبت شود. ترامپ احساس کرد یک تهدید غیرفوری به نام کره شمالی وجود دارد که می‌تواند وجهه و اعتباری برای وی ایجاد نماید. کره شمالی نیز چون احساس تهدید کرده بود، پاسخ داد و بر توانایی نظامی به‌خصوص در حوزه موشک‌های بالستیک قاره‌پیما افزود و اینجا بود که آمادگی برای مذاکره را اعلام کرد. کره شمالی در این مقطع، احساس کرد دوره «مذاکره از سر قدرت» شده است. ترامپ سطح تنش‌ها را افزایش داده بود و تمرکز رسانه‌ای، خبری و راهبردی را بر کره شمالی قرار داده بود تا به مردم امریکا پیام بدهد که قرار نیست صرفاً یک مشکل ساده حل شود، بلکه وی قصد دارد مشکل مهم و چند دهه‌ای را حل نماید که میراث دولت‌های قبل است. نکته مهم دیگر در مورد رفتار و رویکرد ترامپ این است که وی بحران را تشدید می‌کند چون فکر می‌کند که می‌تواند آینده بحران را پیش‌بینی کند» (گوهری، ۱۲ شهریور ۱۳۹۸).

رهبر کره شمالی، در ابتدای کار یک برنامه ۵ ساله برای خود تدوین کرد و در آن راستا، بر ثبات و اهمیت احترام به نظرات کادر نظامی تأکید داشت. در این مسیر برای افزایش قدرت نظامی بر توانایی اتمی و تجهیز موشک‌های قاره‌پیما بالستیک به کلاهک اتمی اصرار کرد تا



به نقطه مد نظر خود برای بازدارندگی برسد. حتی انتخاب شدن یا نشدن ترامپ در این مسیر، تأثیر چندانی نداشت. ترامپ از این اتفاقات و برنامه کره شمالی به نفع خود استفاده و بر خطر این کشور تأکید نمود. در واقع، آنچه که دوران ترامپ را متمایز کرد و زمینه‌ساز مذاکرات شد، دستیابی کره شمالی به دانش موشک‌های بالستیک قاره‌پیمایی بود که توانایی هدف قرار دادن خاک امریکا را داشت. اکنون اگر توافقات محرمانه و سطح بالایی وجود داشته یا رخ داده باشد، در مورد همین موشک‌ها و البته آزمایش اتمی است. کره شمالی آزمایش این سلاح و انجام آزمایش اتمی را متوقف کرده و در عوض نوعی چشم‌پوشی بر اجرای تحریم‌ها را دریافت کرده است. آزمایش‌های موشکی کره شمالی بعد از دیدار سوم دونالد ترامپ و کیم جونگ اون در ۳۰ ژوئن ۲۰۱۹ در مرز دو کره، نیز به این دلیل با عدم واکنش ترامپ مواجه شد. زیرا مسئله امریکا، موشک‌های میانبرد و کوتاه برد نیست. ترامپ گفت که این آزمایش‌های توسط کشورها انجام می‌شود و از کنار آن‌ها گذشت. در واقع آن تفاهم سطح بالا، خود را در رژه‌های ارتش کره شمالی نشان داد. در این رژه‌ها، خبری از موشک‌های قاره‌پیما و ماکت بمب‌های اتمی نبود. در حالی که کره شمالی این موارد را همچنان در اختیار دارد. این امر و برخی گشایش‌های اقتصادی به تحکیم جایگاه یک رئیس ۳۰ ساله که قصد حاکم بودن تا چند دهه را دارد، کمک می‌کند. ترامپ نیز می‌خواهد به هر قیمتی به توافقی با کره شمالی برسد، تا خود را اثبات نماید. زیرا وی مدعی است امپراتوری امریکا، در دوران اوپاما رو به افول بوده است (کارشناس شماره ۱، ۱۳/۰۶/۱۳۹۸). در واقع دیدار دونالد ترامپ و کیم جونگ اون، نوعی آرامش ایجاد کرد و فشار بر کره شمالی را کاهش داد (اردستانی، ۳/۰۷/۱۳۹۸).

نکته مهم در مورد رویکرد ترامپ این است که وی می‌خواهد مذاکرات را دوجانبه پیش ببرد و به همین دلیل، چندان کشورهای دیگر را وارد مذاکرات نکرده است (کارشناس شماره ۲، ۱۳/۰۶/۱۳۹۸). کره شمالی نیز همین رویکرد را در قبال کره جنوبی اتخاذ کرده و مایل است این کشور را از روند مذاکرات حذف کند و مستقیماً با امریکا وارد گفت و گو شود. حتی در جریان انتقاد از مانورهای نظامی امریکا در منطقه، بیشتر از کره جنوبی انتقاد کرده است تا امریکا (کارشناس شماره ۳، ۱۵/۰۵/۱۳۹۸).

نکته مهم در مورد سیاست‌های ترامپ این است که وی عمده‌اً سطح تنش را بالا برد تا بعد از مذاکره، پیام داخلی داده و ادعا کند که وی توانسته بحران را حل و فصل کند و روسای جمهور قبلی، سیاست شکست خورده‌ای داشتند. ضمناً دولت ترامپ با توجه به ناکارآمدی چشمگیر در

وزارت خارجه و خالی ماندن بسیاری از سمت‌های مهم، با یک خلا در مورد مهارت‌های حل بحران مواجه است و ابتکارات در مورد شبه‌جزیره، خروجی دفتر ترامپ است و نه وزارت خارجه. لذا در این شرایط نباید توقعی بیش از دیدارهای نمایشی و فوتودپلماسی داشت. زیرا مذاکرات خلع سلاح با این درجه از اهمیت و پیچیدگی، نیاز به کار تکنیکی و فنی بلندمدتی دارد که پیش از دیدارهای طرفین، صورت نگرفته است. پس می‌توان گفت ترامپ نه به دنبال حل بحران، بلکه در پی اتخاذ ژست حل مسئله است (حسینی، ۱۳۹۸/۰۷/۰۲). به همین دلیل است که برخی به درستی اعتقاد دارند که اصولاً مذاکراتی در سطح سران صورت نگرفته است؛ بلکه آنچه به جهان مخابره شده صرفاً یک نمایش و تبلیغات بوده است که رسانه‌های حامی ترامپ، نقش مهمی در آن ایفا کردند، به خصوص نشست سوم در مرز دو کره (کارشناس شماره ۳، ۱۳۹۸/۰۵/۱۵).

همچنین نباید از نقش عامل انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۲۰م در رویکرد ترامپ غافل شد. رسانه‌های امریکایی معتقدند که تقویم انتخابات می‌تواند یک عامل اصلی در تعیین دامنه و زمان توافق بالقوه برای توافق در مورد برنامه هسته‌ای کره شمالی باشد. دولت ترامپ احتمالاً محاسبه می‌کند که دستیابی به این توافق چگونه می‌تواند به تقویت شانس وی برای انتخاب مجدد کمک کند. تحلیلگران اعتقاد دارند ترامپ سعی می‌کند در دوره اول، نتیجه ملموسی در مورد مسئله هسته‌ای کره شمالی به دست بیاورد که این یک دستاورد بزرگ برای ترامپ خواهد بود. فقط با نمایش صحنه ورود یک تیم بازرسی به کره، ترامپ چیزهای زیادی برای نمایش در انتخابات خواهد داشت. کره شمالی نیز احتمالاً این نگرانی را دارد که توافق هسته‌ای با ترامپ را قبل از سال ۲۰۲۰ تکمیل کند، قبل از آنکه ترامپ انتخابات را واگذار کند و دولت بعدی خواستار بازنگری در روند مذاکره شود (Padden, 2018).

۵. چشم‌انداز بحران

برای بررسی چشم‌انداز بحران و احتمال برگزاری مذاکره مجدد و یا تشدید تنش، در این بخش از روش توصیفی-تحلیلی و شیوه سناریونویسی استفاده خواهد شد که از مهم‌ترین روش‌های آینده‌پژوهی است. آینده‌پژوهی، شامل دو مولفه متمایز توصیفی و تجویزی است. در قلمرو توصیف، با استناد به شرایط اولیه زمان حال و شرایط حدی و مرزی مربوط به محیط و با تکیه بر نظریات، ابتدا باید آینده‌های ممکن‌الوقوع را توصیف کرد و سپس از میان آینده‌های ممکن‌الوقوع، محتمل‌ترین آن‌ها را با استفاده از روش‌های کمی و کیفی مشخص نمود (عطار و سعیدی‌راد،



۱۳۹۷: ۱۴۹-۱۴۸). در آینده‌پژوهشی چهار نوع آینده وجود دارد: «آینده ممکن»^۱ (آینده‌ای که در میخ‌له انسان بگنجد و عقل امکان وقوع آن را تصدیق کند. آینده باورپذیر^۲ (آینده‌ای که امکان وقوع بیشتری دارد و باورپذیر و در دسترس است. آینده محتمل^۳ (آینده‌ای که در افق زمانی مورد نظر احتمال وقوع دارد و مبتنی بر استمرار روندهای کنونی در آینده است. آینده مطلوب یا مرجح^۴ (آینده‌ای که وقوع و به واقعیت پیوستن آن را آرزو می‌کنیم). لذا در سناریونویسی سه دسته سناریو داریم: «سناریوی مطلوب^۵، محتمل و ممکن». سناریوی محتمل احتمالا اتفاق می‌افتد و می‌توان وقوع احتمالات مختلف را برای آن‌ها در نظر گرفت. ادامه و تغییر وضعیت گذشته و حال آینده محتمل است. آینده ممکن وضعیتی است که می‌تواند در آینده محقق شود؛ هرچند ندانیم که چگونه این آینده محقق خواهد شد (علی‌پور و قیطاسی، ۱۳۹۶: ۲۳۶).

به‌طور کلی می‌توان در مورد سناریوهای روابط آتی کره شمالی و امریکا در بازه زمانی پیش از انتخابات، سه سناریوی اصلی را شناسایی کرد که عبارت‌اند از:

۱. سناریوی محتمل: ادامه وضعیت موجود (به معنای عدم لغو جدی تحریم‌ها، عدم انجام آزمایش‌های موشکی و اتمی یا انجام آزمایش‌های محدود از سوی کره شمالی و کاهش تنش)؛
۲. سناریوی مطلوب: توافق و خلع سلاح کامل و امکان راستی‌آزمایی در کره شمالی؛
۳. سناریوی ممکن: تشدید تنش، افزایش تحریم‌ها و سخت‌گیری در اجرا و اعمال آن‌ها و درنهایت مخاصمه مسلحانه.

۵-۱. سناریوی محتمل

به‌طور کلی بحران‌ها در شرق آسیا ماهیتی دارند که حل و یا کاهش اهمیت و حساسیت این بحران‌ها، ممکن و امید به حل قطعی آن‌ها واقع‌بینانه نیست. بحران شبه‌جزیره، جزو این بحران‌ها است. زیرا حفظ وضع موجود به نفع بازیگران و قدرت‌ها می‌باشد (وفایی، ۱۳۹۸/۰۷/۱۰). لذا می‌توان گفت که تا پیش از پایان دوره اول ریاست جمهوری ترامپ در سال ۲۰۲۰، محتمل‌ترین رخداد، ادامه وضع موجود است. ترامپ در پی تنش و جنگ نیست و شرایط به‌صورت کنونی ادامه خواهد داشت (امیدی، ۱۳۹۸/۰۵/۳۰). به عبارت دیگر، کماکان شاهد عدم

1 . Possible Future

2 . Plausible Future

3 . Probable Future

4 . Preferable Future

5 . Preferred (Desired) Scenarios



انجام آزمایش اتمی و موشک‌های قاره‌پیمای بالستیک از سوی کره شمالی خواهیم بود و امریکا نیز از انجام آزمایشات موشکی کوتاه و میانبرد توسط پیونگیانگ چشم‌پوشی خواهد کرد. تحریم‌ها لغو نخواهند شد، اما ممکن است همانند شرایط موجود، اجرای آن‌ها با اغماض همراه شود و امریکا فشار کمتری به چین برای اجرای تحریم‌ها وارد نماید.

در این صورت که امکان وقوع جنگ میان پیونگیانگ و واشنگتن بسیار کم شده است، احتمالاً بعد از دوره‌ای از تنش‌های بلندمدت و جنگ سرد، شاهد کنترل تسلیحات خواهیم بود. بنابراین دیپلماسی از اهمیت برخوردار شده و طرفین از طریق مذاکره به توافقنامه‌های صلح دست خواهند یافت. همانطور که پس از جنگ جهانی دوم تنش‌های طولانی مدت و جنگ سرد باعث ایجاد توافقنامه‌های صلح و بازدارندگی شد. با توجه به اقدامات امریکا در طی سالیان گذشته، واضح است که واشنگتن خواهان استفاده از دیپلماسی جهت حل بحران کره شمالی بوده و تاکنون با استفاده از توافقات دفاع دوجانبه با متحدان آسیایی خود، اعمال فشار و تحریم‌ها علیه پیونگیانگ سعی کرده است این مسئله را حل کند. از سوی دیگر متحدان امریکا نیز خواهان استفاده از دیپلماسی فعال در این مورد و تعامل با پیونگیونگ هستند (Cronin, 2017).

این سناریو، منجر به خلع سلاح اتمی و موشکی کره شمالی نخواهد شد، اما سطح تنش‌ها را کاهش خواهد داد (Allison, 2019). لذا با جدیت و قطعیت بالایی می‌توان گفت که تا پایان سال ۲۰۲۰ و حتی پس از آن، کره شمالی، تن به خلع سلاح جدی و مطلوب امریکا نخواهد داد (Baek, 2018). زیرا با توجه به بحران تایوان و جنگ تجاری، چین نیز با امریکا همکاری نخواهد کرد تا پکن نیز ابزار فشاری علیه واشنگتن داشته باشد (وفایی، ۱۳۹۸/۰۷/۱۰). پس می‌توان گفت که شبه‌جزیره، هسته‌ای باقی خواهد ماند و به دلیل ایجاد بازدارندگی اتمی، کره شمالی تن به خلع سلاح نخواهد داد (کارشناس شماره ۲، ۱۳۹۸/۰۶/۱۳).

همچنین نباید فراموش کرد که خلع سلاح شبه‌جزیره و رسیدن به یک توافق، جزئیات فراوانی دارد که در گفت‌وگوهای دو طرف شاهد آن نبودیم. بحث در حوزه جزئیات نمی‌تواند فقط توسط دونالد ترامپ و کیم جونگ اون بدون پشتیبانی متخصصان هر دو دولت انجام شود. از سرگیری مذاکرات به شکل جدی یک فرآیند فشرده و وقت‌گیر است که به جلسات و سال‌ها همکاری فنی نیاز دارد تا به‌طور پیوسته در جهت ایجاد همکاری، شفافیت و تأیید صحت آن‌ها برای ایجاد اعتماد بین دو دولت برسد (قاسمی، ۱۳۹۸/۰۷/۱۰). همین نکته نشان می‌دهد که کره شمالی و امریکا نیز همین روند حفظ موجود را دنبال می‌کنند. البته اگر جنگ تجاری، اختلاف



امریکا با چین در تایوان و هنگ کنگ شدت بگیرد، این موارد به‌عنوان متغیرها، ممکن است بر این سناریو مؤثر باشند و تشدید بحران را به بار آورند. همچنین امکان استضیاح ترامپ و روی کار آمدن رئیس‌جمهور جدید که سخت‌گیری بیشتری در مورد پیونگ‌یانگ اتخاذ کند، ادامه روند این سناریو را با دشواری مواجه خواهد کرد.

۵-۲. سناریوی مطلوب

سناریوی مطلوب، به تناسب منافع طرفین و بازیگران تغییر خواهد کرد. بدیهی است که که بهترین سناریو برای امریکا خلع سلاح کامل اتمی و موشکی کره شمالی است. اما سناریوی مطلوب و قابل دسترس برای امریکا تا پایان سال ۲۰۲۰، ادامه عدم انجام آزمایش موشک‌های قاره‌پیما و اتمی کره شمالی خواهد بود. زیرا این شرایط به مراتب بهتر از زمانی است که ترامپ قدرت را در کاخ سفید در اختیار گرفته بود (Allison, 2019). البته این سناریو از دید بسیاری، اصلاً مطلوب نیست. زیرا باعث شده امریکا قدرت اتمی و موشکی کره شمالی را به رسمیت بشناسد (Narang and Panda, 2018). در واقع مخالفان کره شمالی و حتی ایران، اعتقاد دارند که این رخداد موجب تضعیف پیمان‌های بین‌المللی مانند NPT خواهد شد.

همچنین بهترین سناریو برای دو کره، وحدت است. اما این گزینه با چالش بزرگی روبه‌رو است زیرا دو کره، گروگان سیاست قدرت‌های بزرگ هستند (کارشناس شماره ۲، ۱۳/۰۶/۱۳۹۸). بهترین سناریو برای کره شمالی، کاهش جدی تحریم‌ها بدون ارائه امتیازات در حوزه اتمی و موشکی است. سناریوی مطلوب برای رئیس‌کره شمالی نیز ادامه مذاکرات به شکل کنونی بدون دادن امتیاز جدی به امریکا است. زیرا در این صورت، جهان، وی را به‌عنوان رهبر یک کشور اتمی که قابل مذاکره نیز است، به رسمیت خواهد شناخت.

۵-۳. سناریوی ممکن

در صورت عدم انجام تعهدات از سوی یکی از طرفین و یا پس از انتخاب مجدد ترامپ در سال ۲۰۲۰، ممکن است با تشدید تنش‌ها میان امریکا و کره شمالی، لفاظی میان رهبران هر دو کشور به سرعت افزایش یافته و در پی آن ممکن است رهبران دچار اشتباه شوند و همه چیز از کنترل خارج شود. از این رو سناریوی وقوع جنگ میان کره شمالی و امریکا مطرح است. برخی از کارشناسان بر این باورند که کیم جونگ یا ترامپ ممکن است اقدامات غیر قابل تصور انجام دهند و آغازگر جنگ جهانی سوم باشند. بدیهی است هر اقدامی در نزدیکی مرز کره شمالی می‌تواند تهدیدی علیه منافع پیونگ‌یانگ محسوب شده و احتمال حمله پیونگ‌یانگ به جزیره



گوام را افزایش دهد. تنها موردی که می‌تواند باعث آرامش شود این است که هیچ دولت مسلح هسته‌ای از مخرب‌ترین تسلیحات علیه دیگری استفاده نخواهد کرد. البته این سناریو، تا زمان انتخابات بسیار بعید است و حتی به فرض انتخاب مجدد ترامپ در سال ۲۰۲۰ نیز با توجه به موارد مختلف از جمله سیاست‌های وی و مخالفت دولت‌های منطقه شانس کمی برای تحقق دارد (Cronin, 2017).

به‌عنوان مثال چین و روسیه، به‌شدت مخالف تنش نظامی و احتمال جنگ هستند. در مورد دورنمای الگوی رفتاری چین در قبال کره شمالی باید گفت که سیاست‌های چین بیش از همه به سمت ترکیبی از نقش مستقل و بهره‌برداری از کره شمالی خواهد رفت. کاپلان معتقد است که چین بزرگ‌ترین شریک تجاری و متحد کره شمالی بوده و اهرم بزرگ بالقوه‌ای برای آن‌ها محسوب می‌شود. چنانچه آن‌ها خواستار کنار رفتن رهبر کره شمالی چه از طریق زور و اجبار یا از بین بردن سلاح‌های هسته‌ای نخواهند بود، چرا که اولاً در شمال غرب چین میلیون‌ها نفر از مردم کره شمالی ساکن هستند و تهدید کره شمالی منجر به بحران انسانی و هرج و مرج خواهد شد و دوم آنکه، کره شمالی مانعی بین امریکا و متحدانش در شرق ایجاد نمود و مسلماً حضور امریکا در این منطقه منافع حیاتی چین در دریای جنوب و تنگه تایوان را به خطر خواهد انداخت. ایفای نقش مستقل چین در بحران کره در شرایطی است که کشورهایی نظیر ژاپن نیز که تا حدی از امریکا ناامید شده‌اند، با تمجید از نقش چین خواستار ایفای نقش سازنده در شورای امنیت برای حل بحران شدند. این موضوع می‌تواند مثلث و اجماع عقلانی‌تری برای حل بحران بدون ترامپ باشد و مسلماً بهترین راه حل آن بهره‌گیری از ابزارهای سیاسی و دیپلماتیک و جلوگیری از حاکم شدن گفتمان تهدیدمحور دولت ترامپ می‌باشد (حسن‌وند، ۱۳۹۶). کره جنوبی و شمالی نیز خواهان جنگ نیستند و این سناریو بعید به نظر می‌رسد (Baek, 2018).

۶. نتیجه‌گیری

روند مذاکرات و رسیدن به توافق‌های مقطعی در مورد بحران اتمی کره شمالی از جمله در دوره دونالد ترامپ نشان داده است که مذاکرات فنی، پیچیده و پر از جزئیات در مورد یک مسئله مرتبط با خلع سلاح، بسیار کند پیش می‌رود و سقف انتظارات طرفین بسیار بالا است. ضمناً تعریف متفاوت از خلع سلاح از سوی امریکا و کره شمالی، نقش مهمی در کند بودن روند مذاکرات ایفا کرده است. پیونگ‌یانگ بر خلع سلاح کل منطقه و امریکا بر اولویت خلع سلاح کره شمالی تأکید دارند. بعد از انجام مذاکرات مستقیم در سطح سران، مشخص شد رسیدن به یک



تعریف واحد و برنامه کاری مشخص، بسیار دشوار است و بر فرض رسیدن به یک توافق جامع نیز، ممکن است در اجرا و عملیات آن شاهد شکست و دشواری‌های احتمالی باشیم.

با عنایت به اصل تغییر و تداوم و رویکرد راهبردی در سیاست خارجی امریکا، تغییر روسای جمهوری در ادوار مختلف تنها به تحول کم دامنه در رفتارهای واشنگتن منجر می‌شود. براساس این اصل با روی کارآمدن روسای جدید، در ماهیت و اهمیت موضوعاتی همچون بحران شبه‌جزیره کره هیچ نوع تحول بنیادین به چشم نخواهد خورد. بلکه شیوه مدیریت و استمرار آن دچار تحول می‌گردد. لذا می‌توان نتیجه گرفت که هنوز راه طولانی و پر پیچ و خمی پیش روی چگونگی حل و فصل بحران در شبه‌جزیره کره است. زیرا اولاً هنوز مشخص نیست که تغییر خاصی در نگاه کره شمالی به موشک به‌عنوان «سرمایه استراتژیک»، سرمایه‌ای که برای تقریباً دو دهه برای کره شمالی محتوای استراتژیک تولید نموده است - حاصل شده باشد. ثانیاً بازیگران و قدرت‌های بزرگ درگیر در این بحران به‌خصوص چین و امریکا هنوز در مراحل اولیه ایفای نقش خود در چگونگی حل و فصل این بحران هستند و هرچه زمان به جلوتر رود ایجاد تعادل میان اهداف و نیات این بازیگران دشوارتر از گذشته خواهد شد. ثالثاً قرار گرفتن نظم بین‌الملل در حالت گذار و فهم قدرت‌های بزرگ از این نظم، نه امکان حل و فصل کامل چنین بحران‌هایی را مسیر می‌نماید و نه امکان رسیدن به یک توافق پایدار را ممکن می‌سازد. ترامپ به خوبی می‌داند تا زمانی که یک توافق صلح رسمی با کره شمالی منعقد نشود، کره شمالی خلع سلاح اتمی را نخواهد پذیرفت. ضمناً توافق صلح چیزی نیست که امریکا به‌طور جدی در پی آن باشد. زیرا پیمان صلح و در پی آن احتمال آغاز روند اتحاد دو کره، بهانه‌ای برای امریکا جهت حضور نیروهای نظامی خود در کره جنوبی و ژاپن باقی نخواهد گذاشت. لذا در مورد رویکرد ترامپ نیز می‌توان گفت:

۱. کاخ سفید به بی‌نتیجه بودن فشارها پی برده است و احتمال دارد در صورت تشدید نیافتن اختلافات، حداقل تا انتخابات ریاست جمهوری در سال ۲۰۲۰، افزایش فشار، تنش و تهدید را از دستور کار خود خارج کند. زیرا اعمال سیاست فشار حداکثری بر کره شمالی، به معنای پذیرش شکست سیاست‌های ترامپ خواهد بود که در آستانه انتخابات، نتایج مثبتی برای سران کاخ سفید به همراه نخواهد داشت. لذا باید یا سطح فشار را کاهش داده و یا در همین سطح نگه دارد و یا آماده دور بعدی مذاکرات (حتی با رویکرد مذاکره برای مذاکره) باشد.



۲. در شرایط تشدید فشارهای داخلی و بی‌نتیجه ماندن فشار بر ایران، ونزوئلا، روسیه و عدم تحقق اهداف در جنگ تجاری با چین، پیش از انتخابات ۲۰۲۰م، ترامپ به مذاکره احتیاج دارد تا سیاست خود را در قبال کره شمالی موفق جلوه دهد. در نتیجه، هرگونه افزایش فشار و تحریم، احتمالاً به بعد از انتخابات موکول خواهد شد. در مجموع می‌توان گفت احتمال انعقاد هیچ توافقی در میان مدت وجود ندارد، چون امریکا حاضر به دادن امتیازی نیست.

۷. محورهای رسانه‌ای

با توجه به درگیری امریکا در بحران کره شمالی، بدیهی است که اخبار و تصاویر مخابره شده توسط رسانه‌های امریکایی - به دلیل تعدد و تکثر آن‌ها - در مقطعی توانایی تأثیرگذاری قابل توجهی بر مخاطبان دارد. بنابراین برای مقابله با این روند، شبکه‌های برون‌مرزی، برای پوشش هرچه بهتر مذاکرات امریکا و کره شمالی و تحولات شبه‌جزیره، باید با شناخت عمیق‌تر و دقیق‌تر و بدون واسطه، موضوع را دنبال کنند. در این خصوص توجه به پیشنهاد‌های رسانه‌ای زیر مفید فایده است.

بخش‌های خبری و واحدهای تحلیلی و گروه‌های مستندساز در برنامه‌های خود به حضور تحریک‌آمیز و تنش‌زای امریکا در منطقه و برگزاری مانورهای بزرگ و گسترده این کشور تأکید کنند.

رسانه‌های برون‌مرزی به نقش امریکا در شکست توافقی‌های سال ۱۹۹۴ و ۲۰۰۷م به‌طور جدی بپردازند و از کارشناسان خارجی برای تبیین این موضوع استفاده نمایند. تأکید بر لزوم خروج امریکا از منطقه و احترام به حساسیت‌های امنیتی کره شمالی مورد توجه رسانه‌های برون‌مرزی باشد.

در موضوع وحدت دو کره، شبکه‌های برون‌مرزی ایران ضمن حمایت از مذاکرات و تلاش برای حل بحران، باید بر نقش دو کره و کشورهای منطقه تأکید کنند و نقش امریکا را در از بین بردن صلح و امنیت منطقه بیان کنند.

مخالفت چین و روسیه با اقدامات و مانورهای تحریک‌کننده امریکا در منطقه پوشش رسانه‌ای داده شود.

رویکرد دولت امریکا (به‌ویژه) در دوره ترامپ، تلاش برای عکس یادگاری (فتودیلیماسی) معرفی شود و نه مذاکره مبتنی بر حسن نیت.



«نقش قطعنامه‌های شورای امنیت و تحریم‌های یک‌جانبه امریکا در ایجاد فشار اقتصادی جدی بر مردم کره شمالی» به‌عنوان تروریسم اقتصادی تبیین و تشریح شود.

این موضوع در رسانه‌های برون‌مرزی برجسته شود که مذاکرات در مورد خلع سلاح بسیار پیچیده و فنی است و لذا نباید انتظار رسیدن به نتیجه در زمان کوتاه را داشت.

رسانه‌های برون‌مرزی در برنامه‌های خود به این موضوع هرچه بیشتر توجه کنند که امریکا قصد دارد با ارائه تعریف متفاوت از خلع سلاح، کره شمالی را از داشتن هرگونه ابزار دفاعی محروم سازد.

نقض عهد از سوی امریکا در مورد برجام و هراس کره شمالی از تکرار این تجربه و در نتیجه، احتمال شکست هر توافق میان امریکا و کره شمالی، در برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی برون‌مرزی به کرات تبیین شود.

به بهانه‌های مختلف خبری به این موضوع پرداخته شود که سیاست امریکا در قبال کره شمالی با تغییر رؤسای جمهور تغییر نمی‌کند و امریکا صرفاً در پی افزایش نفوذ و مداخله خود در منطقه و خلع سلاح پیونگ‌یانگ است.



منابع و مأخذ

- امیدی، علی و همکاران (۱۳۹۷)، «راهبرد سیاست خارجی ترامپ: هیبرید نوانزواگرایی - واقع‌گرایی»، **فصلنامه مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی**، دوره ۸، شماره ۲۸، پاییز.
- بایگان، محمدصادق (۱۳۹۷)، **فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل**، سال یازدهم، شماره ۴۳، پاییز، صص ۴۱-۶۷.
- باقری دولت‌آبادی، علی و حمید درج (۱۳۹۷)، سیاست دونالد ترامپ و مسئله هسته‌ای کره شمالی، **فصلنامه سیاست جهانی**، شماره ۲، تابستان، صص ۱۷۲-۱۴۳.
- حسن‌وند، مظفر (۱۳۹۶)، «سناریوها و سیاست‌ها در بحران شبه‌جزیره کره»، اندیشکده راهبردی تبیین، قابل دسترسی در: <http://tabyincenter.ir/18982>
- شریعتی‌نیا، محسن (۱۳۹۷)، «مذاکره با امریکا؛ تجربه ناموفق کره شمالی»، **مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی**، شماره مسلسل: ۱۶۱۱۸.
- عطار، سعید و آرش سعیدی‌راد (۱۳۹۷)، آینده سوریه و فرصت‌ها و چالش‌های آن برای جمهوری اسلامی ایران، **فصلنامه مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی**، دوره ۸، شماره ۲۸، پاییز.
- علی‌پور، جواد و سجاد قیطاسی (۱۳۹۶)، «آینده پژوهی بحران سیاسی - امنیتی سوریه بر پایه سناریونویسی»، **فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام**، سال هفتم، شماره ۴، زمستان، صص ۲۶۱-۲۳۱.
- کالاهان، پاتریک (۱۳۸۷)، «**منطق سیاست خارجی امریکا**»، (ترجمه داود غرایق زندی و دیگران)، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی،
- مصاحبه‌ها**
- امیدی، علی (۱۳۹۸/۰۵/۳۰)، «بررسی سناریوهای آینده بحران در شبه‌جزیره کره»، اصفهان: دانشگاه اصفهان.
- بخشایش اردستانی، احمد (۱۳۹۸/۰۷/۰۳)، «واکاوی اهداف مذاکرات ترامپ - کیم»، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز.
- حسینی، دیاکو (۱۳۹۸/۰۷/۰۲)، «چشم‌انداز مذاکرات امریکا و کره شمالی»، تهران: مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری.
- صبار، شاهو (۱۳۹۸/۰۷/۱۰)، «لزوم امتناع از کاربرد گفتمان و ادبیات غربی توسط رسانه‌های ایران»، تهران: دانشکده مطالعات جهان دانشگاه تهران.
- قاسمی، زینب (۱۳۹۸/۰۷/۱۰)، «لزوم توجه به پیچیدگی‌های فرایند خلع سلاح»، تهران: دانشکده مطالعات جهان دانشگاه تهران.
- کارشناس شماره ۱ وزارت امور خارجه (۱۳۹۸/۰۶/۱۳)، «اهداف ترامپ از مذاکره با امریکا چیست؟»، تهران: وزارت امور خارجه.
- کارشناس شماره ۲ وزارت امور خارجه (۱۳۹۸/۰۶/۱۳)، «بررسی چشم‌انداز بحران در شبه‌جزیره کره»، تهران: وزارت امور خارجه.
- کارشناس شماره ۳ وزارت امور خارجه (۱۳۹۸/۰۵/۱۵)، «تحلیل سه دور مذاکرات ترامپ - کیم»، تهران: وزارت امور خارجه.
- گوهری‌مقدم، ابوذر (۱۳۹۸/۰۶/۱۲)، «بررسی رویکرد ترامپ در مذاکرات با کره شمالی»، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).



- Allison, Graham (2019), "2019 promises more of the same", Available at: <https://nationalinterest.org/blog/korea-watch/graham-allison-my-north-korea-prediction-2019-39142>
- Business insider (2019), "Japan is planning to buy 105 more F-35 stealth fighters, and that may be a big problem for China", Available at: <https://www.businessinsider.de/japan-buying-105-f-35-fighters-intensify-china-arms-race-2019-5?r=US&IR=T>
- Baek, Jieun (2018), "We must operate in the world as it is, not as it should be", Available at: <https://nationalinterest.org/blog/korea-watch/jieun-baek-my-north-korea-prediction-2019-39327>
- Cronin, Patrick M. (2017), "https://nationalinterest.org/feature/3-ways-north-korea-could-strike-back-america-21859", Available at: <https://nationalinterest.org/feature/3-ways-north-korea-could-strike-back-america-21859>
- CSIS (2017), "Ramifications of North Korea's Sixth Nuclear Test", Available at: <https://www.csis.org/analysis/ramifications-north-koreas-sixth-nuclear-test>
- Davenport, Kelsey (2018), "UN Security Council Resolutions on North Korea", Available at: <https://www.armscontrol.org/factsheets/UN-Security-Council-Resolutions-on-North-Korea>
- Davenport, Kelsey (2019), "Chronology of U.S.-North Korean Nuclear and Missile Diplomacy", Available at: <https://www.armscontrol.org/factsheets/dprkchron#2016>
- DOBBINS, JAMES (2018), "Russia Is a Rogue, not a Peer; China Is a Peer, Not a Rogue: Different Challenges, Different Responses", RAND, Available at: <https://www.rand.org/pubs/perspectives/PE310.html>
- Hickey, M. (2011). "BBC - History - World Wars: The Korean War: An Overview" Available at: http://www.bbc.co.uk/history/worldwars/coldwar/korea_hickey_01.shtml
- Kang, WI Jo, (1997), "Christ and Caesar in Modern Korea: A History of Christianity and Politics", State University of New York Press.
- McCurry, Justin and Borger, Julian, (2017), North Korea missile launch: regime says new rocket can hit anywhere in US, **The Guardian**, Wednesday, November 29.
- Narang, Vipin and Panda, Ankit (2018), "North Korea Is a Nuclear Power. Get Used to It", Available at: <https://www.nytimes.com/2018/06/12/opinion/trump-kim-summit-denuclearization-north-korea.html>
- National Security Strategy of U.S.A (2017), Available at: <http://nssarchive.us/national-security-strategy-2017/>

- NPR** (2017), "Transcript: NPR Interviews Secretary of State Rex Tillerson", Available at: <https://www.npr.org/2017/04/28/525766904/transcript-npr-interviews-secretary-of-state-rex-tillerson>
- Litwak, Robert (2019), "Nuclear Crises with North Korea and Iran: From Transformational to Transactional Diplomacy", **Woodrow Wilson International Center for Scholars**.
- Padden, Brian (2018), "US Election Calendar Could Factor into N. Korea Talks", Available at: <https://www.voanews.com/usa/us-election-calendar-could-factor-n-korea-talks>
- Shear, and David Sanger E (2017)," Trump Returns North Korea to List of State Sponsors of Terrorism", Available at: <https://www.nytimes.com/2017/11/20/us/politics/north-korea-trump-terror.html>

